

حوزه خزر

وامنیت ملی جمهوری اسلامی ایران

□ دکتر مصطفی ملکوتیان

تأپیش از فروپاشی اتحاد شوروی، تنها دو کشور ایران و شوروی در حاشیه دریای خزر حضور داشتند.^(۱) بر اساس فصل ۱۱ قرار داد ۱۹۲۱، هر دو کشور به طور مساوی حق کشتی رانی آزاد با پرچم خود در این دریا را دارا بودند.^(۲) قرار داد ۱۹۴۰، میان ایران و شوروی نیز دریای خزر را دریای مشترک بین دو کشور می شناخت. در عین حال، عملاً به جز قسمت کمی از دریا که شاخص آن، خطی بود که از خلیج حسن قلی از جنوب شرق دریا به دهانه رود آستارا در غرب کشیده می شد و در اختیار ایران بود، روس ها بقیه دریا را تحت حاکمیت خود قرار داده بودند.^(۳)

در زمان جنگ سرد بین آمریکا و شوروی، دریای خزر بیانگر مشکل امنیتی خاصی بین دو بلوک نبود. البته به دلیل وابستگی محمد رضا شاه به غرب، آمریکا با کارگزاران دستگاه های استراق سمع در مرزهای ایران و شوروی، تحرکات روس ها در عمق خاک آن کشور را زیر نظر داشت.

بازی استراتژیک در منطقه خزر:

فروپاشی اتحاد شوروی، تعداد کشورهای حاشیه خزر را به پنج کشور افزایش داد. به جز حضور ایران در حاشیه جنوبی، کشورهای فدراسیون روسیه، قزاقستان، ترکمنستان و آذربایجان در سواحل شمالی، شرقی و غربی دریا پدید آمدند.^(۴) در ابتدا، منطقه خزر با مسائل امنیتی ویژه‌ای برای کشورهای حاشیه خود برخورد نکرد؛ اما با گذشت زمان و به دلایل مختلف، این منطقه در کانون توجه جهانی قرار گرفت. در روسیه، با خروج روس‌ها از حالت گمای ناشی از فروپاشی و پایان سریع ماه عسل روابط گرم با غرب به دلیل نوسازی روز افزون از غرب و کمک‌های آن برای رهایی از بحران اقتصادی، غرب‌گرایی در سیاست خارجی فروکش کرد و نگرش‌های ملی‌گرایانه اهمیت یافته و روس‌ها مخالفت خود را با گسترش ناتو به شرق ابراز داشتند.

در غرب، دوباره خطر روسیه گوشزد شد و این سخن که روسیه نه برادر ماست و نه دوست ما تکرار گردید. هر چند اتحاد شوروی فروپاشیده بود؛ اما روسیه سلاح‌های پیشرفته و مخربی در اختیار داشت. به علاوه، از امکانات بالقوه مناسبی برای توسعه برخوردار بوده و می‌توانست مجدداً به عنوان یک قدرت بزرگ معارض با غرب ظاهر شود. در این شرایط، آمریکا برای دستیابی به سه هدف؛ یعنی: محدود کردن روسیه، «مه‌

ایران»^(۵) و سلطه بر منابع انرژی دریای خزر که در سال‌های گذشته اخبار و

گزارش‌های زیادی درباره کشف ذخایر بزرگ نفتی در این حوزه منتشر شده است.^(۶) به تکاپو افتاد.

آمریکا اکنون در تلاش است تا با حضور روز افزون در مناطق آسیای مرکزی و قفقاز و به ویژه حوزه خزر، از یک طرف، روسیه را بار دیگر به فروپاشی بکشاند؛ به گونه‌ای که برخی در غرب گفته‌اند، روسیه باید به ۵۰ کشور تقسیم گردد؛ و از سوی دیگر، با ایجاد کانون‌های بحران از سمت شمال و حضور نظامی در کشورهای شمالی، ایران را تحت محاصره یا فشار قرار دهد. و به علاوه، با سلطه بر منابع انرژی منطقه از کسب این ماده حیاتی در آینده اطمینان یابد. به اعتقاد بعضی از صاحب نظران مسائل ژئوپلیتیک، در سال‌های گذشته درباره میزان انرژی موجود در حوزه دریای خزر زیاده روی شده و هدف از طرح آن، بستن قرار دادهای فراوان نفتی با کشورهای منطقه به منظور مشروعیت بخشیدن به حضور و دخالت در آن جا بوده است. بر این اساس، آمریکا در تلاش برای رساندن ناتو به منطقه است و می‌خواهد با امضای قرار دادهای مختلف نفتی، چنین ادعا کند که در این منطقه دارای منافع است. و الا قرار دادهایی مانند قرار داد باکو - جیحان یا قرار داد عبور گاز ترکمنستان از بستر دریای خزر به دلایلی مانند: طولانی شدن مسیر عبور لوله‌ها نسبت به مسیر ایران، مسائل امنیتی (عبور از مناطق ناامن مانند کردستان ترکیه)، عمق زیاد دریا (در مورد گاز ترکمنستان) و... قابلیت اجرایی ندارند و در صورت اجرا، نفت و گاز صادراتی از آن‌ها بسیار گران تمام خواهد شد. در این راستا، پاکستان و ترکیه هم نقش مهمی بر عهده گرفته‌اند. پاکستان دُم ناتو خواهد بود که از طریق افغانستان با آسیای مرکزی مرتبط می‌شود و ترکیه نیز پای دُست قابل اعتماد آمریکا یعنی اسرائیل را به منطقه باز می‌کند.^(۷)

به هر حال، چه گزارش‌های مربوط به وجود ذخایر نفتی در منطقه خزر درست باشد و چه غلط، تلاش‌های آمریکا برای کشاندن پای ناتو به منطقه و حضور مستقیم در آن جا برای دستیابی به اهداف راهبردی خود، آشکار است.

علاوه بر اهدافی که پیش از این آمد، شاید آمریکا بر اساس نظر برخی از نویسندگان - که گفته‌اند اتحاد احتمالی چهار کشور چین، روسیه ایران و هند^(۸) که منطقه وسیعی از

آسیای شرقی تا اقیانوس هند و خلیج فارس (که گلوگاه عبور انرژی به غرب است) را در برمی گیرند، منجر به ظهور عصر آسیایی و فروپاشی سلطه و نفوذ آمریکا در مناطق مختلف خواهد شد. در تلاش است تا با گسترش ناتو به آسیای مرکزی و قفقاز و ادامه آن تا پاکستان، ایران را از سمت شمال و شرق، از این کشورها جدا سازد.

ایران به دلیل موقعیت ویژه و استراتژیک، نفوذ در میان مسلمانان، منابع غنی و ضدیت با سلطه غرب در این لیست قرار گرفته است. ایران، حلقه اتصال منطقه خلیج فارس، مناطق آسیای مرکزی و قفقاز و منطقه غرب آسیاست. وجود منابع فراوان و دیر پای انرژی در خلیج فارس - به طوری که در مقایسه با جهان غرب که منابع نفتی اش در آینده نه چندان دور به اتمام می رسد، منابع نفتی خلیج فارس حدود یکصد سال دیگر دوام خواهد داشت - بر اهمیت ایران می افزاید. سه کشور دیگر نیز به دلیل موقعیت، وسعت، جمعیت، تکنولوژی، منابع و دیدگاه ضد غربی، در لیست فوق قرار گرفته اند.

جنبه های مختلف منافع ملی ایران و تهدید علیه آن در منطقه خزر:

منافع ملی را می توان بهترین شرایط و وضعیت برای یک ملت تعریف نمود. بنابراین می تواند جنبه های اقتصادی، سیاسی امنیتی و غیره داشته باشد که البته این جنبه ها عمیقاً با یکدیگر مرتبط اند.

الف - جنبه های اقتصادی

موقعیت جغرافیایی ایران و قرار گرفتن این کشور بین روسیه، آسیای مرکزی و قفقاز و دریای خزر از یک سو و خلیج فارس و اقیانوس هند از سوی دیگر، و راه نداشتن کشورهای شمالی به دریاهای آزاد^(۹) و مسیر مناسب شمال به جنوب و شرق به غرب کشور ما نسبت به سایر مسیرها به دلیل فاصله کوتاه تر و ضریب امنیتی خوب، ایران را در یک موقعیت ارزنده برای برقرار کردن ارتباط کشورهای مذکور با دریاهای بین المللی از طریق راه آهن و راه های شوسه و عبور لوله های نفت و گاز این کشورها به سوی بازارهای بین المللی در آسیا و اروپا قرار داده است.

یکسانی های فرهنگ و تمدن ایران با کشورهای شمالی نیز می تواند به حفظ و ارتقای منافع فرهنگی، امنیتی و تجاری ایران در این کشورها کمک کند. این یکسانی ها در

بعضی از این کشورها مانند آذربایجان که بیش تر مردم آن شیعه‌اند و تاجیکستان که فارس زبان است، آشکارا وجود دارد.

به طور کلی، حفظ منافع اقتصادی ایران در منطقه، در گرو عبور لوله‌های نفت و گاز کشورهای شمالی از خاک ایران، تبدیل راه‌های آهن و شوسه ایران به مسیر اصلی عبور این کشورها به سمت خلیج فارس و اقیانوس هند و اروپا، کسب سهم عادلانه‌ای از نفت و گاز موجود در منطقه خزر توسط ایران و وجود زمینه‌های مناسب برای همکاری‌های اقتصادی و صادرات کالاهای ایرانی به این کشورهاست. در همه این موارد، دشمنان یا رقبای ایران، منافع کشور ما را مورد تهدید قرار داده‌اند که تلاش‌های آمریکا در عبور لوله‌های نفت و گاز از بستر دریای خزر و کشورهای آذربایجان، گرجستان و ترکیه، تلاش پاکستان و طالبان به تبدیل کشورهای افغانستان و پاکستان به مسیر اصلی عبور کالا و مسافر از کشورهای آسیای مرکزی به سواحل اقیانوس هند، بستن قرار دادهای نفتی برای استخراج نفت از مناطقی از دریاکه در صورت توافق بر سر یک رژیم حقوقی عادلانه در دریای خزر باید در اختیار ایران قرار گیرد و سرازیر شدن سیل کالاهای مصرفی از ترکیه و سایر نقاط به این کشورها، از این قبیل‌اند.

ب - جنبه‌های سیاسی امنیتی:

در حال حاضر تهدیدهای امنیتی علیه ایران در منطقه خزر به صورت تلاش‌های مختلف دیده می‌شود:

۱ - گسترش نفوذ ناتو به ویژه آمریکا (و ترکیه و اسرائیل) در منطقه

گسترش ناتو به شرق و سپس به منطقه خزر^(۱۰)، این کشورها را زیر چتر حمایتی کشورهای غربی به ویژه آمریکا قرار می‌دهد و بر موقعیت نسبی مساعد ایران در این منطقه تأثیر منفی بر جای می‌نهد؛ به گونه‌ای که استقرار دائمی بخش قابل توجهی از نیروهای نظامی در مرزهای شمالی کشور را لازم و صرف امکانات بسیاری را می‌طلبد. به علاوه این امر، به اجبار بر دیدگاه و روابط خارجی کشورهای منطقه در رابطه با ایران تأثیر می‌نهد و زمینه سردی روابط و احتمالاً مواجهه با یکدیگر در شمال را گسترش می‌دهد. این همان چیزی است که آمریکا و اسرائیل برای «مهار انقلاب اسلامی» به دنبال آن هستند.

این حضور همچنین به پذیرش الگوی حکومتی ترکیه، در مقابل حکومت دین مدار در ایران بر رژیم لائیک تأکید دارد، کمک می‌کند. هر چند پان ترکیسم که ترکیه محرک آن است، به دلایل مختلف از جمله: مشکلات فراوان دولت ترکیه (مانند: مسأله کردها، اختلافات با ارمنستان و^(۱۱) مسأله ارمنه، اختلافات با یونان بر سر قبرس و دریای اژه^(۱۲)، اختلاف سوریه با ترکیه بر سر خلیج اسکندرون، اختلافات ترکیه و عراق و تلاش روس‌ها برای به دست آوردن کنترل بر تنگه‌های بسفر و داردانل)، فرهنگ‌های متفاوت مللی که ریشه زبانی ترک دارند و گرایش‌های ملی‌گرایانه در آنها و بی‌توجهی آنها به شعار پان ترکیسم، دوری جغرافیایی این سرزمین‌ها و حساسیت و مخالفت قدرت‌های بزرگی مانند چین و روسیه با این امر، امکان تحقق ندارد؛ اما در هر صورت ویژگی‌های زبانی، دست‌آویزی برای نفوذ ترکیه به کشورهایمانند آذربایجان، ترکمنستان... به شمار می‌رود. نفوذ ترکیه در کشورهای منطقه با توجه به نوع رژیم سیاسی این کشور، روابط گرم دولت ترکیه و رژیم صهیونیستی - که در تلاش مستمر برای نفوذ در منطقه است - برای ایران حاوی تهدیدات امنیتی است.

۲- گسترش حرکت‌های دارای خط مشی طالبان

هر چند نمی‌توان همه مبارزین مسلمان در آسیای مرکزی و قفقاز را وهابی و دارای خط مشی طالبان تلقی کرد، ولی اخیراً گزارش مختلفی در مورد فعالیت‌های گروه‌های وهابی در داغستان، چچن، ازبکستان و قرقیزستان منتشر شده و گفته شده است که چریک‌های فعال در این منطقه، از حمایت طالبان، پاکستان و محافلی در عربستان برخوردار بوده و از سوی آنان حمایت مالی و تسلیحاتی می‌شوند.^(۱۳)

تا زمانی طولانی، شیعیان ایرانی از سمت شرق، مورد تجاوز و کشتار ازبکان و از سمت غرب، مورد حمله عثمانی‌ها بودند. ظهور و استقرار دولت صفویه در سال ۱۵۰۱ م. وضعیت را دگرگون ساخت و شیعیان با کنترل بر دستگاه حکومتی و گسترش ایده تشیع، ایمن گردیدند. گسترش حرکت‌های دارای خط مشی طالبان در منطقه، با توجه به دیدگاه خاص این گروه افراطی در مورد تشیع و ایران، برای ایران تهدیدات امنیتی فراوانی به همراه خواهد داشت.

۳- عبور کاروان‌های مواد مخدر از منطقه

عبور کاروان‌های مواد مخدر از منطقه خزر بر امنیت منطقه تأثیر منفی بر جای می‌نهد، به گونه‌ای که به دلیل باز شدن پای قاچاقچیان بین‌المللی در منطقه و وابستگی آن‌ها به دولت‌های برون منطقه‌ای نظارت دائمی و صرف امکانات گسترده برای مبارزه با آن‌ها را الزامی می‌کند. بر اساس گزارش برنامه کنترل مواد مخدر سازمان ملل متحد (UNDCP)، دو مسیر انتقال موارد مخدر در حوزه خزر عبارتند از:

۱- مسیر قزاقستان، روسیه، اوکراین، مولداوی، ترکیه؛

۲- مسیر ازبکستان، ترکمنستان، دریای خزر، آذربایجان، گرجستان، ترکیه^(۱۴).

ج- جنبه‌های زیست محیطی

شتاب جمهوری‌های تازه استقلال یافته در بهره برداری از منابع دریای خزر، باعث غفلت از منابع ارزشمند آبی دریا شده و مشکلات زیست محیطی پدید آورده است؛ به طوری که گفته می‌شود طی ده سال پس از فروپاشی اتحاد شوروی، تنها حدود یک میلیون تن نفت خام وارد دریا شده است. جمهوری آذربایجان سالانه ۳۵۰۰ تن آلاینده شیمیایی و ۴۰۰-۳۰۰ میلیون متر مکعب فاضلاب صنعتی وارد خزر می‌کند. قزاقستان، روسیه (از طریق رودولگا) و ترکمنستان نیز مقادیر زیادی آلاینده وارد دریا می‌کنند. این در شرایطی است که هنوز لوله‌های نفتی از بستر دریا کشیده نشده‌اند. ورود فزاینده آلاینده‌ها از سوی این کشورها به دریای خزر، این دریا را در آستانه یک فاجعه زیست محیطی قرار داده؛ به صورتی که خطرات آن به ویژه منافع کشور ما را - به دلیل لطمه زدن به شرایط مناسب موجود رشد آبزیان مانند خاویار و غیره در آب‌های ایران - تهدید می‌کند. در پایان، اهمیت روزافزون منطقه‌ای و جهانی حوزه خزر و تهدیدات بالقوه و بالفعل موجود در این حوزه علیه جمهوری اسلامی ایران، توجه بیش‌تر مسئولان سیاست خارجی کشور به حوزه خزر و انجام پژوهش‌های عمیق در زمینه تاریخ، جغرافیا، فرهنگ، اقتصاد، روابط خارجی، حکومت، نخبگان فکری و سیاسی کشورهای منطقه آسیای مرکزی و قفقاز و اهداف راهبردی و تاکتیکی کشورهای برون و درون منطقه‌ای توسط محافل علمی را می‌طلبد.

پی‌نوشت‌ها:

۱- هیچ دریایی در جهان دیده نشده است که به اندازه این دریا نام‌های گوناگون داشته باشد. این نام‌ها یا منتسب به نام قبایل و اقوام ساکن اطراف دریا در طول تاریخ می‌باشد و یا آن‌که از نام مناطق و شهرهای اطراف آن گرفته شده است. تعدادی از این نام‌ها عبارتند از: دریای کاسپین **Caspian sea**، دریای دیلم (یا دیلمان)، دریای گیلان، دریای خزر، دریای طبرستان، دریای استرآباد، دریای خراسان، دریای قزوین، دریای آبسکون و دریای گرگان. این دریا امروزه میان اروپائیان به کاسپین و میان ایرانیان به خزر یا مازندران مشهور است.

دریای مازندران دارای حدود ۱۲۰۰ تا ۱۲۶۰ کیلومتر طول، ۲۰۰ تا ۵۵۰ کیلومتر عرض و ۴۲۴۰۰۰ کیلومتر مربع مساحت است. عمق متوسط آن در قسمت شمالی، حدود ۶/۲ متری می‌باشد. $\frac{۴}{۵}$ قسمت ژرفای کم‌تر از ۱۰ متر دارد. در قسمت جنوبی، عمق متوسط دریا حدود ۳۲۵ متر است و عمق دریا در این جا گاهی به ۹۶۰ تا ۱۰۰۰ متر می‌رسد. همچنین از ۶۳۸۰ کیلومتر طول ساحل این دریا، حدود ۹۹۲ کیلومتر متعلق به ایران است.

رجوع کنید به: ربیع بدیعی، **جغرافیای مفصل ایران**، ۳ جلد، (تهران: اقبال، ۱۳۶۲)، ج ۱، صص ۱۲۹ - ۱۳۱.

۲- حاتم قادری، **پژوهشی در روابط ایران و روسیه شوروی یا قرار داد ۱۹۲۱**، دو جلد، (تهران: بی‌نا، ۱۳۵۹)، ص ۱۱۶.

۳- امروزه، ایران و روسیه می‌گویند که خط حسن قلی - آستارا هیچ‌گاه مرز رسمی دو کشور نبوده و قرار دادهای ۱۹۲۱ و ۱۹۴۰، خزر را دریای مشترک می‌شناسد. قدمت روابط ایران و روسیه حدود چهار صد سال است. این روابط با مأموریت اندی بیک به مسکو به عنوان سفیر سلطان محمد خدا بنده آغاز شد و با فراز و نشیب‌هایی همراه بوده است. مطامع استعماری روسیه تزاری و سپس ایدئولوژی کمونیستی و مطامع اتحاد شوروی سد راه توسعه روابط بود. در این رابطه یکی از منابع آورده است:

روس‌ها در چشم ایرانیان، چهره تاریخی مثبتی ندارند. ایرانیان آن‌ها را مهاجمینی می‌نگرند که همواره در طول تاریخ، چشم طمع به خاک ایران داشته‌اند و از هر فرصتی برای تجاوز به ایران بهره‌گرفته‌اند. در چشم ایرانیان، روس‌ها در کنار انگلیسی‌ها از اصلی‌ترین عوامل توسعه نیافتگی و عقب ماندگی کشورند. اما خصومت دیگر ایرانیان، این است که دوست دارند از تاریخ درس بگیرند و به آینده بنگرند. روس‌ها نیز باید ثابت کنند که چهره روسیه با چهره تاریخی‌شان متفاوت خواهد بود.

سید رسول موسوی، **روس‌ها در چشم ایرانیان، آسیب‌شناسی روابط ایران و روسیه**، فصلنامه مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز، شماره ۱۲، زمستان ۱۳۷۴، ص .

۴- با فروپاشی اتحاد شوروی، دشمن غول پیکر تاریخی ایران که به هر دلیل، از جمله: رسیدن به آب‌های گرم خلیج فارس و ایقانونوس هند همیشه مترصد فرصتی برای ضمیمه کردن بخش‌هایی از خاک ایران به خود بود و در برخی از نقاط به طور مستقیم حدود ۱۰۰۰ کیلومتر در خاک ایران پیش رفته و آن را ضمیمه خاکش کرده بود، مضمحل گردید

و فدراسیون روسیه جدید التأسیس نیز دیگر با ایران مرز مشترک زمینی نداشت. بنابراین، موقعیت نسبی ایران بهتر شد. کمی پیش از یک دهه قبل از آن نیز پیروزی انقلاب اسلامی، باعث بستن شیرهای گاز که روس‌ها مبلغ ناچیزی در مقابل دریافت آن می‌پرداختند و نیز لغو مواد ۵ و ۶ قرار داد ۱۹۲۱ که از جمله استقلال ایران را مخدودش می‌کردند، شد.

۵- اصطلاحی که آمریکایی‌ها برای مبارزه با انقلاب اسلامی و گسترش اندیشه‌ها و آرمان‌های آن به کار می‌برند.

۶- در دریای خزر، سه حوزه نفتی شناخته شده است: ۱- حوزه‌های خزر شمالی در محدوده روسیه؛ ۲- حوزه خزر میانی، که در منطقه قفقاز و ناحیه ترسک و قره بغاز در شرق دریا واقع گردیده است؛ ۳- حوزه خزر جنوبی، که از سواحل آبی آذربایجان تا ناحیه کورالی - انزلی تا غرب ترکمنستان ادامه دارد و بیش‌ترین ذخایر نفتی را داراست. برخی منابع تخمین زده‌اند که در چهار جمهوری آذربایجان، ترکمنستان، قزاقستان و ازبکستان، حدود ۲/۵ تا ۳ تریلیون دلار گاز و نفت هست که به ۵۰ تا ۷۰ میلیارد دلار سرمایه جهت استخراج نیاز دارد.

۷- پیروز مجتهد زاده، *شمال از طریق شمال*، روزنامه انتخاب، ۳۱ / ۱ / ۷۸، ص ۵.

۸- البته در عمل ممکن است چنین اتحادی هرگز به وقوع نپیوندد، اما احتمال وقوع آن، دولتمردان آمریکایی را آزار می‌دهد. همچنین بستن اتحاد استراتژیک بین یک قدرت متوسط با قدرت‌های بزرگ، ممکن است به همان اندازه که باعث تقویت یک کشور در مقابل رقبایش شود، برای استقلال آن کشور، تهدید کننده نیز باشد.

۹- روسیه از این مسأله استثناست. این کشور که در قسمت‌های شرق، شمال و غرب خود با دریاهای آزاد راه دارد؛ اما در عین حال، این کشور در هر سه ناحیه با مشکلاتی مواجه است. ارتباط دریایی روسیه در شرق به مراکز حیاتی جهان بسیار دور است و توسط تنگه‌هایی که در اختیار روسیه نیست - به جز یک تنگه که در اختیار ژاپن و روسیه است - محدود می‌شود. در شمال، یخ‌بندان‌های قطبی و در غرب نیز تنگه‌های بسفر و داردانل، ارتباط دریایی این کشور را محدود می‌سازند.

۱۰- این گسترش به آرامی و قدم به قدم و تحت عنوان در خواست خود کشورها صورت می‌گیرد. مانور نظامی قزاقستان و آمریکا در ۱۳۷۶، نفوذ روز افزون کارشناسان آمریکایی و اسرائیلی در ترکمنستان، قزاقستان و آذربایجان و دعوت حیدر علی اف، رئیس‌جمهور آذربایجان از ناتو برای ایجاد پایگاه در این کشور، در همین راستا صورت گرفته است.

رجوع کنید به: *از سرباز روسی دیگر خبری نیست*، گفت و گو با عباسعلی حسن الف، سفیر آذربایجان در ایران، روزنامه انتخاب، ۳۰ / ۲ / ۷۸، ص ۵.

۱۱- ارمنستان نسبت به نیمی از ترکیه ادعا دارد.

۱۲- یونان و ترکیه به جز مسأله قبرس، در مورد جزایر دریای اژه به دلیل کشف نفت در این منطقه و میزان آب‌های سرزمینی با یکدیگر، اختلاف دارند.

۱۳- به عنوان نمونه، ر.ک.به: *چالش سیاسی - مذهبی در حاشیه خزر*، روزنامه آفتاب امروز، ص ۱۰ و روزنامه انتخاب، ۲۶ / ۱۲ / ۷۸.

۱۴- مهر داد محسنین، *افق‌های همکاری ایران و روسیه در آسیای مرکزی و قفقاز*، فصلنامه مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز، پیشین، ص .